

A Methodological Study of Farhad Daftari's Historiography about Ismailism¹

Fariba Abbaspur^{*}

Mohammad Jawedan^{**}, **Hamidreza Shariatmadari**^{***}

(Received: 01/03/2021; Accepted: 05/05/2021)

Abstract

The history of Islamic sects and denominations is one of the sciences that have been studied extensively in the present century. Farhad Daftari is one of the most successful scholars in the field of the study of Shiism and Ismailism, who has written many books in this regard. This research seeks to answer the question: "What model and method of historiography has Farhad Daftari used in studying the history of Ismailism?" To answer this question, we carefully and methodically examined his works, including books, articles, interviews, etc. Findings indicate that Daftari has used descriptive, analytical, and comparative historiography methods in his studies. Since this is the first time such a study has been conducted, it is superior to other studies on Ismailism, and its results will be useful and instructive for students and researchers in the field of methodology of Ismaili studies. This research has been done by descriptive-analytical method and data has been collected through scientific documents and library resources.

Keywords: Methodology, Ismailism, Farhad Daftari, Historiography.

1. This article is taken from: Fariba Abbaspur, "Farhad Daftari's Historiography on Ismailism: Methodological Study", 2021, PhD Thesis, Supervisor: Mohammad Jawedan, Faculty of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

* PhD Student, Department of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author), fabbaspour0@gmail.com.

** Assistant Professor, Department of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, javdan@urd.ac.ir.

*** Associate Professor, Department of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, shariat@urd.ac.ir.

بررسی روش‌شناسانه تاریخ‌نگاری فرهاد دفتری درباره اسماعیلیه^۱

فریبا عباس‌پور*

محمد جاودان**، حمیدرضا شریعتمداری***

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵]

چکیده

تاریخ فریق و مذاهب اسلامی یکی از علمی است که در قرن حاضر مطالعات فراوانی را به خود اختصاص داده است. یکی از محققان موفق در مطالعات تشیع و فرقه اسماعیلیه، فرهاد دفتری است. او تألیفات بسیاری در این حوزه دارد. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که: فرهاد دفتری در بررسی تاریخ و سرگذشت این فرقه تابع چه الگو و روش تاریخ‌نگارانه‌ای است؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش، آثار دفتری را، اعم از کتاب، مقاله، مصاحبه و ... به دقت و روشمند بررسی کردیم. نتیجه به دست آمده گویای این است که فرهاد دفتری در مطالعاتش از روش‌های تاریخ‌نگارانه توصیفی، تحلیلی و مقایسه‌ای بهره گرفته است. این پژوهش به لحاظ اینکه برای اولین بار صورت گرفته از دیگر پژوهش‌ها در زمینه مطالعات اسماعیلیه ممتاز است و نتایجش برای دانشجویان و پژوهشگران حوزه روش‌شناسی مطالعات اسماعیلی مفید و راه‌گشا خواهد بود. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده و روش جمع‌آوری داده‌ها، اسنادی و مدارک علمی و مطالعات کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی، فرقه اسماعیلیه، فرهاد دفتری، تاریخ‌نگاری.

۱. برگرفته از: فریبا عباس‌پور، تاریخ‌نگاری فرهاد دفتری درباره اسماعیلیه، بررسی روش‌شناسانه، رساله دکتری، استاد راهنما: محمد جاودان، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۴۰۰.

* دانشجوی دکتری، گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)
fabbaspour0@gmail.com

** استادیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران javdan@urd.ac.ir

*** دانشیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران shariat@urd.ac.ir

مقدمه

یکی از فرقه‌های تشیع که در طول تاریخ فراز و نشیب‌ها و نیز تحولات و تطورات بسیاری داشته و آثار و پژوهش‌های متعددی درباره‌اش نوشته شده، فرقه اسماعیلیه است. مستشرقان و شیعه‌پژوهان غربی از جمله محققانی بوده‌اند که حول تاریخ و عقاید اسماعیلیان آثار متعددی را نگاشته‌اند و هر کدام در مطالعاتشان از روش‌های مشخصی بهره برده‌اند. فرهاد دفتری در زمره این محققان است که در زمینه تاریخ و عقاید اسماعیلیه پژوهش‌های روشمند فراوانی انجام داده و تألیفات مهمی عرضه کرده است.

دفتری در دهه ۱۹۶۰، بعد از آشنایی با آثار ایوانف درباره اسماعیلیه به مطالعه درباره این فرقه علاقه‌مند شد و شروع به تحقیق در این زمینه کرد. از آثارش می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد: ۱. تاریخ و عقاید اسماعیلیه؛ ۲. افسانه‌های حشاشین؛ ۳. تاریخ معاصر اسماعیلیان؛ ۴. سنت‌های عقلائی در اسلام. دفتری اکنون رئیس مؤسسه مطالعات اسماعیلیه در لندن و همچنین مدیر بخش پژوهش‌های علمی و انتشارات آن مؤسسه است. وی ویراستار مشاور دایرةالمعارف ایرانیکا و دایرةالمعارف اسلامیکا (به همراه مادلونگ) بوده و همچنین ویراستار عمومی سلسله میراث اسماعیلیه و سلسله متون و ترجمه‌های اسماعیلی و سلسله میراث تشیع است و در حال حاضر به عنوان استاد تاریخ اسماعیلیه در مؤسسه مطالعات اسماعیلی به تدریس و تحقیق مشغول است. دفتری در زمینه مطالعات اسلامی و تشیع بیش از ۱۴ کتاب و ۲۰۰ مقاله تألیف کرده و کتاب‌هایش به زبان‌های مختلف ترجمه شده است. پژوهشگران، استادان و دانشجویان از آثارش بهره می‌برند و به آنها استناد می‌کنند. آنچه دفتری را از معاصرانش در قلمرو شیعه‌پژوهی ممتاز و متمایز می‌کند اهتمام ویژه به مطالعات اسماعیلیه است.

پژوهش حاضر به دنبال بررسی مطالعات تاریخی او است. درباره آثار و مطالعات او در زمینه تاریخ اسماعیلیه پرسشی مطرح می‌شود: او برای تدوین آثارش از چه روش و شیوه‌ای استفاده کرده است؟ بررسی روش‌شناسی مطالعات فرهاد دفتری در موضوع فرقه اسماعیلیه می‌تواند برای محققان این رشته کمک بسزایی در زمینه مطالعات شیعی و به‌خصوص اسماعیلیه باشد.

پیشینه تحقیق

در پژوهش حاضر به دلیل فقدان تحقیق مشابه و پیشینه خاص، از پیشینه عام استفاده شده است. با بررسی تحقیقات روش‌شناسی و منابع و اسناد در این زمینه، پیشینه خاصی در این موضوع نیافتیم. درباره روش‌شناسی، تألیفات مختلفی انجام شده و روش‌شناسی درباره آثار شخصیت‌های علمی صورت گرفته است؛ اما درباره فرهاد دفتری و تألیفاتش مستقلاً پژوهشی انجام نشده و روش‌شناسی تاریخ‌نگاری او بررسی نشده است؛ بنابراین، به منابعی مراجعه شده که با موضوع محل بررسی و هدف‌های این مقاله ارتباط دارد. البته محققان تاریخ، مقالاتی با عنوان آرا و دیدگاه‌ها و نقد آثار دفتری نوشته‌اند. از باب نمونه می‌توان به مقاله «در جست‌وجوی رستاخیز؛ سیری در کتاب اسماعیلیه، تاریخ و اعتقاداتشان» (امانت، ۱۳۷۱) اشاره کرد. مؤلف در این اثر علاوه بر معرفی کتاب دفتری، به طور مجزا هر فصل را ارزیابی، و نقد و نظر خود را بیان کرده است. کتاب *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ* (ملایی توانی، ۱۳۸۸)، علاوه بر مطالب مفید در زمینه روش تحقیق در تاریخ، فصلی را نیز به بحث روش‌شناسی تحقیقات تاریخی اختصاص داده است. مؤلف مفاهیمی همچون تاریخ، فلسفه تاریخ، روش، روش تحقیق و روش‌شناسی را تعریف و بررسی کرده و در مبحث روش‌شناسی معرفت علمی اهداف را مشخص کرده است. این کتاب در زمینه روش‌شناسی مطالب سودمندی دارد. در مقاله «مطالعه تحلیل روش‌شناسی پژوهش‌های حدیثی خاورشناسان در میراث امامیه» (حسن‌نیا، ۱۳۹۶)، نویسنده ابتدا بحث روش و روش‌شناسی را مطرح، و آنها را تعریف و تحلیل کرده است، سپس سه روش تاریخی، توصیفی و مقایسه‌ای را در مطالعات خاورشناسان بررسی کرده است. مطالب این اثر نیز می‌تواند کمک‌حال بررسی موضوع ما در قسمت روش‌شناسی باشد.

روش و روش‌شناسی

در هر پژوهش علمی راه و روش‌هایی نیاز است تا پژوهش مد نظر به سرانجام برسد. مبحث روش و روش‌شناسی در علوم مختلف بسیار کاربرد دارد. روش‌شناسی برای هر

علمی لازم و اساسی است. مباحث روش‌شناسی در حوزه پژوهش‌های تاریخی سابقه طولانی‌ای ندارد. در علوم انسانی، و به‌ویژه در تاریخ، روش‌های مختلفی برای بررسی وقایع تاریخی وجود دارد. شناخت این روش‌ها خودش نیازمند علم و دانش خاصی است که در واقع همان «روش‌شناسی» است؛ اما واقعیت روش‌شناسی چیست؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است در این قسمت، تعبیر «روش‌شناسی» را از نظر مفهومی و اصطلاحی بررسی کنیم.

«روش‌شناسی» از نظر لغوی و اصطلاحی

از نظر ریشه‌شناسی، «روش‌شناسی» معادل فارسی واژه «متدولوژی» (methodology) از ریشه‌ای یونانی است، و از دو واژه meta به معنای بسیار عظیم و بزرگ، و hodos به معنای راه و شیوه تشکیل شده است و مفهومش در پیش گرفتن راهی برای رسیدن به هدف و مقصودی با نظم و توالی خاص است (کاظمی، ۱۳۷۴: ۲۸). از نظر اصطلاحی، می‌توان گفت روش‌شناسی در صدد شناخت روش علم و در واقع علمی درجه دو است که به دنبال بررسی راهی است که ما را در علمی به معرفت می‌رساند (برنجکار، ۱۳۹۱: ۳۷).

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری (historiography) رویکردی علمی به داده‌های تاریخی است که تاریخ‌نگار مبتنی بر دانش تاریخ و اصول نقد گزاره‌های تاریخی که در این دانش تبیین شده است، آنها را توصیف و تحلیل می‌کند. بر این اساس، می‌توان گفت تاریخ‌نگار در گزارش تاریخ به دو شکل عمل می‌کند؛ در مرحله نخست داده‌های تاریخی را بر اساس اسلوب نقد گزارش‌های تاریخی بررسی می‌کند و آنها را به حقایق (گزارش واقعه قریب به امر واقع) تبدیل می‌کند. در مرحله دوم تاریخ‌نگار اگر به تحلیل گزارش تاریخی قائل باشد، آن را بر اساس عقل تاریخی تجزیه و تحلیل می‌کند (حضرتی، ۱۳۹۳: ۴۷). بر این اساس، روش‌های کلانی در بررسی حوادث و رویدادهای تاریخی وجود دارد: روش توصیفی، روش تحلیلی و روش مقایسه‌ای. هدف تاریخ‌نگاری علمی نیز این است که هر چه بیشتر از مرحله وقایع‌نگاری و

توصیف صرف فاصله بگیرد و به صورتی روشمند و با مبانی علم به تاریخ بنگرد. آنچه تاریخ‌نگاران در صددش هستند بازگویی وقایع ازهم‌گسسته نیست، بلکه شرحی منظم، منسجم و به‌هم‌پیوسته است که در آن رخدادها به گونه‌ای قرار می‌گیرند که گویی در جایگاه واقعی و طبیعی خود قرار گرفته‌اند و هر یک از آنها جزئی از یک کل درک‌کردنی را شکل داده‌اند (مولایی توانی، ۱۳۸۸: ۳۸). در پژوهش‌های تاریخی رفته‌رفته جریان‌هایی شکل گرفت که مخالف عقاید سنتی در بررسی تاریخ بود. محققان در گذر زمان روش‌های مختلفی را به کار گرفتند و همچنین مکاتب بسیاری در زمینه تاریخ شکل گرفت. در قرن هجدهم تاریخ‌نویس‌ها را به عنوان رشته‌ای مستقل بازیافت و مورخان روش‌های علمی‌ای داشتند که آنها را به تاریخ‌نگاری مدرن راه برد و نحله‌ها، مکاتب و جریان‌های تاریخ‌نگاری مهمی را ایجاد کردند.

با توجه به تعاریف انجام‌شده از مفاهیم کلیدی مقاله، در ادامه سه روش متداول در تاریخ‌نگاری، یعنی روش توصیفی، تحلیلی و مقایسه‌ای، را در تألیفات فرهاد دفتری درباره فرقه اسماعیلیه، و روش‌شناسی تاریخ‌نگاری وی را بررسی می‌کنیم.

روش توصیفی

«توصیف» از سویی در مقابل «تحلیل» به کار می‌رود و مراد از آن گزارشگری صرف از پدیده‌های آشکار پدیده‌ای دینی، بدون بررسی ربط و پیوندها یا اسباب و علل یا ماهیت یا گونه‌شناسی آنها است. از طرف دیگر، توصیف در این نمونه خاص، به معنای مشاهده‌گرانه بودن و برای تأکید بر بی‌واسطه بودن تحقیق نیز هست. توصیف (description) از تحلیل (analyze)، متمایز است و ویژگی جوهری‌اش، همانا عاری بودن از نتیجه‌گیری‌های پیچیده و انتزاعی است. البته این بدان معنا نیست که در توصیف هیچ برداشت و استنباطی دخیل نباشد، بلکه بدان معنا است که توصیف فقط بیان دریافته‌های اولی است، نه برداشت‌ها، استنباط‌ها و نتیجه‌گیری‌های بعدی که از ترکیب و تجزیه دریافته‌های اولیه و فعالیت‌های ذهنی حاصل می‌آید. البته توصیف‌ها الزاماً از مشاهدات تجربی و حسی مستقیم

شکل نمی‌گیرد، بلکه گزارش از وقایع تاریخی، احوال و تجارب دینی و عرفانی، شواهد مکتوب و مانند آن را هم شامل می‌شود. توصیف بیان چگونگی است. هیچ مطالعه‌ای از توصیف بی‌نیاز نیست، زیرا پیش از هر تحلیل یا مقایسه‌ای، نیازمند توصیف کافی کم و کیف موضوع مطالعه هستیم.

روش توصیفی را می‌توان با ویژگی‌هایی از روش تحلیلی متمایز کرد: ۱. مشاهده‌گرانه بودن؛ ۲. عاری بودن از فعالیت‌های ذهنی ثانوی؛ ۳. ناظر بودن به پرسش از چگونگی (موحدیان عطار، ۱۳۹۷: ۳۸۰).

با توجه به مطالب مذکور، باید گفت هر پژوهشگر در عرصه علم تاریخ ناگزیر است ابتدا وقایع و حوادث را توصیف کند. دفتری نیز به عنوان محقق تاریخ در اولین قدم‌هایش برای مطالعات اسماعیلیه از این روش استفاده کرده است. او در تألیف بسیاری از کتاب‌ها و مقالاتش ابتدا با استفاده از روش توصیفی جریانی تاریخی را به دقت توصیف می‌کند و در مراحل بعد، اگر لازم بود، تحلیل یا نقد می‌کند یا حتی نظریه‌ای مطرح می‌کند. وی در مهم‌ترین اثرش درباره اسماعیلیه، تاریخ و سنت‌های اسماعیلیه، که اثری جامع و کامل درباره این فرقه است، ابتدا نحوه شکل‌گیری تشیع و سپس فرقه اسماعیلیه را توصیف می‌کند و خط سیر این فرقه را تا زمان معاصر بیان می‌کند. در میان این توصیفات، دیدگاه دیگر نویسندگان و نقد یا تحلیل آنها را با مطرح کردن شواهد و مدارک بیان می‌کند. در روش توصیفی، محقق همچنین می‌تواند در چارچوب برخی از قوانین تحقیق به مرحله‌بندی و فصل‌بندی و همچنین استفاده از جداول اقدام کند. در این قسمت اقدامات دفتری را در حوزه روش توصیفی بیان می‌کنیم و نمونه‌هایی را از نحوه استفاده وی از منابع اولیه و نسخ خطی اسماعیلی خواهیم آورد.

مرحله‌بندی تاریخ

نظم‌بخشیدن به اثری و تحقیق تاریخی بسیار مهم و پرفایده است. خواننده اثر نیازمند وجود نظمی در توصیف و بررسی وقایع تاریخی است. دفتری در آثارش به این مطلب

توجه داشته است. درباره علم تاریخ باید محقق از این روش استفاده، و سیر خطی تاریخ را بیان کند. مثلاً دفتری در بیشتر آثارش فصل‌بندی خود را بر اساس مرحله‌بندی تاریخی فرقه اسماعیلیه انجام داده و در زیرمجموعه عناوین اصلی مطالب مربوط به هر دوره را مطرح کرده است. در دوران معاصر پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه مطالعات اسماعیلی اتفاق افتاده است. با این حال، بسیار دشوار است که بتوان ترتیب خاصی را در طبقه‌بندی مراحل مختلف تاریخ اسماعیلیان برگزید؛ اما این امکان وجود دارد که بر بنیاد آمیزه‌ای از ملاحظات زمانی، عقیدتی، جغرافیایی و نیز ادبی و مردم‌شناختی بتوان پنج مرحله متمایز در تحوّل کیش اسماعیلی بازشناخت. این مراحل کلی، که چارچوبی برای بررسی ما فراهم می‌کنند، عبارت‌اند از (دفتری، ۱۳۸۶: ۳۸):

۱. اسماعیلیه نخستین، یا مرحله آغازین نهضت از قدیمی‌ترین سرمنشأهای ماقبل اسماعیلی، یعنی نیمه قرن دوم/هشتم تا تأسیس خلافت فاطمی در شمال افریقا.
۲. اسماعیلیه فاطمی، یا چنان‌که گفته‌اند دوره کلاسیک (قدیم) خلافت فاطمی از ۲۹۷ ه.ق./۹۰۹ م. تا زمان مرگ خلیفه هشتم فاطمی، امام المستنصر بالله، در ۴۸۷ ه.ق./۱۰۹۴ م. و پدیدارشدن شقاق مستعلی نزاری در نهضت اسماعیلی. این مرحله از تاریخ، بعضی از گروه‌های جدایی طلب، به ویژه قرمطیان جنوب عراق و بحرین، را نیز در بر می‌گیرد.
۳. اسماعیلیه مستعلوی، یا مرحله تحوّل در یکی از دو شاخه کلی اسماعیلیه، از شقاق مستعلی نزاری تا روزگار ما. این مرحله را که، در اساس، ادامه سنن اسماعیلیه فاطمی است می‌توان به صورت دوره‌ای مقدماتی و تاریخ‌های بعدی دو شاخه حافظی و طیبی از اسماعیلیه مستعلوی ردگیری کرد. با آنکه شاخه حافظیه اندکی پس از سقوط خلافت فاطمی در ۵۶۷ ه.ق./۱۱۷۱ م. از هم پاشید، شاخه طیبیه در یمن و هند باقی ماند و اینک نماینده‌اش داوودی‌ها و سلیمانی‌ها هستند که بیشتر در هند زندگی می‌کنند و عموماً به نام «بهره‌ها» معروف‌اند.

بررسی روش‌شناسانه تاریخ‌نگاری فرهاد دفتری درباره اسماعیلیه / ۲۱۳

۴. اسماعیلیه نزاری دوره الموت، یا آن مرحله از کیش اسماعیلی که نشانگر سنت نزاری است، از حدود ۴۸۳ ه.ق./۱۰۹۰ م. تا انهدام دولت نزاری ایران به دست مغولان در ۶۵۴ ه.ق./۱۲۵۶ م.

این مرحله، تاریخ نزاریان شام را نیز در بر می‌گیرد. اسماعیلیان قلمرو سلاطین سلجوقی و شام، بیشتر در نتیجه کوشش‌های حسن صباح، موفق شدند دولتی قدرتمند تشکیل دهند که از شام تا مشرق ایران گسترده بود. این اسماعیلیان، که مدافعان امامت نزار و اعقابش بودند، شورشی آشکار در سراسر قلمرو سلجوقیان، حتی پیش از شقاق مستعلی نزاری، به راه انداختند، شورشی که بر اساس تسخیر قلعه‌ها و دژهای کوهستانی و کشتن دشمنان بزرگ سیاسی‌شان پایه‌گذاری شده بود. با مرگ المستنصر بالله، نزاریان روابطشان را با مرکز فاطمیان در قاهره گسستند. نزاریان، همچنین در زمینه معتقداتشان اقدامات مهمی انجام دادند.

۵. اسماعیلیه نزاری بعد از دوره الموت، از نیمه دوم قرن هفتم/سیزدهم تا زمان حاضر (همان: ۳۴): این مرحله سه دوره متمایز را در بر می‌گیرد: دوره مبهم آغازین بعد از دوره الموت، دوره معروف به انجدان و دوره جدید. با فروریختن دولت نزاری، نزاریان پس از مدت کوتاهی خود را از نو سازمان دادند و پس از آنکه شقاقی در میانشان افتاد، در ایران اغلب در زی صوفیان باقی ماندند. بعدها، نزاریان موفقیت‌های تازه‌ای در شبه‌قاره هند و آسیای مرکزی به دست آوردند. اسماعیلیه نزاری از قرن نهم/پانزدهم حیات جدیدی را آغاز کردند که تقریباً دو قرن دوام آورد. ایوانف این تجدید حیات اسماعیلیه نزاری به رهبری امامان سلسله معروف به قاسم‌شاهی را دوره انجدان نامید. در نیمه دوم قرن دوازدهم/هجدهم، هنگامی که سلسله امامان محمدشاهی به پایانش نزدیک می‌شد، امامان نزاری قاسم‌شاهی، که تا آن زمان با برخی از طریقه‌های صوفیه روابط نزدیکی داشتند، از حالت اختفا در ایران بیرون آمدند. پس از آن، در قرن نوزدهم، در همان حال که مقر امامت نزاری از ایران به هند انتقال یافت، اسماعیلیه نزاری تحت زعامت آقاخان‌ها وارد دوره جدیدی از تاریخ خود شد (همان: ۴۱).

حتی زمانی که دفتری درباره ادبیات اسماعیلیه سخن می‌گوید از این نوع روش تقسیم‌بندی ادبیات اسماعیلی بر اساس دوره‌های تاریخی استفاده می‌کند. او درباره ادبیات نزاری بعد از دوره الموت نوع تقسیم‌بندی را بر اساس عوامل جغرافیایی، زبانی، نژادی و غیره به چهار گروه کلی تقسیم می‌کند: ایرانی، آسیای میانه، شامی و هندی. دفتری بعضاً نیز این نوع تقسیم‌بندی را جزئی‌تر کرده است. مثلاً می‌گوید در نتیجه پیشرفت‌های جدیدی که با پیش‌قدمی ایوانف در مطالعات نزاری حاصل شده است، اکنون می‌توانیم تقریباً سه دوره متمایز در تاریخ اسماعیلیه نزاری بعد از الموت را تشخیص دهیم.

جداول

استفاده از جداول یکی از روش‌های مرسوم در تألیف آثار تاریخی است، زیرا به فهم بهتر ادوار تاریخی کمک بسیار می‌کند. دفتری نیز مانند هر محقق دیگری در برخی از آثارش از این روش استفاده کرده است. وی در کتاب *تاریخ تشیع* از فهرست و جدول شجره‌نامه اسماعیلیان بهره برده و در این جداول نسب‌نامه داعیان و امامان اسماعیلی را ذکر کرده است.

فصل‌بندی

هر پژوهشگری برای نظم دادن به مطالعات، و شروع بحث علمی‌اش نیازمند فصل‌بندی و ترتیب‌دادن به موضوعات تحقیق شده در اثر است. دفتری نیز با پیروی از این روش علمی مرسوم در مطالعاتش به طور منظم فصول را بر اساس روند تاریخی و زمان وقوع حوادث بیان کرده است. این فصل‌بندی ابتدا با معرفی منابع تألیف‌شده درباره اسماعیلیه و مطالعات انجام‌شده در طی سال‌ها درباره این فرقه شروع می‌شود. سپس درباره تاریخ‌نگاری در این حوزه بحث می‌کند و از ابتدای شکل‌گیری این فرقه مطالب را آغاز می‌کند. در فصول بعدی بر اساس سنوات درباره تاریخ این فرقه و تحولاتش سخن می‌گوید و در نهایت نیز به دوران معاصر می‌رسد و اوضاع و احوال این فرقه را در عصر کنونی بیان می‌کند.

استفاده از منابع دست اول و نسخ خطی اسماعیلیان

استفاده از منابع و اسناد موجود اولین گزینه برای رسیدن به پاسخ پرسش‌ها و ابهامات تحقیق و پژوهش است. این روش از دیرباز محل توجه محققان بوده و در موضوعات تاریخی نیز به قوت دنبال می‌شود. با مطالعه و بررسی آثار و احوال دفتری و اظهاراتش می‌توان به انواع و اشکال استفاده او از منابع و اسناد پی برد. دفتری سه دهه قبل، زمانی که پژوهش خود را در زمینه تاریخ اسماعیلیه شروع کرد، جمع‌آوری و تدوین کتاب‌شناسی از منابع و تحقیقات انجام‌شده در حوزه اسماعیلیه را در برنامه کارش قرار داد (Daftary, 2004: 11). نتیجه این کار تدوین کتاب *ادبیات/اسماعیلیه* بود که نشانگر میزان اهمیت استفاده از منابع نزد این محقق است.

با توجه به اینکه اسماعیلیان اغلب در سرزمین‌های بیرون از قلمرو دولتشان در معرض آزار و اذیت معاندان بودند و این اتفاق، رعایت دقیق تقیه، یعنی خود را به رنگ جماعت درآوردن، را الزامی می‌کرد، مؤلفان و نویسندگان اسماعیلی، اغلب متکلمان و متألهانی بودند که به عنوان داعی در محیط‌های خصمانه فعالیت می‌کردند. اینان به سابقه تعلیم و تربیت خود و نیز به سبب لزوم مطلق سرری‌نگه‌داشتن فعالیت‌هایشان به عنوان نویسنده و داعی، به‌خصوص به تألیف و تدوین تواریخ سال‌نما یا هر نوع دیگری از گزارش و نقل تاریخی علاقه‌ای نداشتند (دفتری، ۱۳۸۸: ۱۰). اما دو دوره در تاریخ اسماعیلی بود که طی آن، اسماعیلیان به‌ویژه به تاریخ‌نگاری توجه خاص پیدا کردند و آثاری پدید آوردند یا دستور نوشتن آثاری را دادند که می‌توان آنها را وقایع‌نامه یا تواریخ رسمی به شمار آورد. این دو دوره، دوره فاطمی و دوره الموت بود که اسماعیلیان دولت‌ها، سلسله‌ها و فرمانروایی از آن خود داشتند که لازم بود شرح کارها و موفقیت‌هایشان را وقایع‌نگاران معتمد ثبت کنند (همو، ۱۳۹۳: ۶).

با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت با وجود قلت منابع اصلی از اسماعیلیه، و به‌خصوص اسماعیلیه نخستین، دفتری با مراجعه به کتاب‌خانه‌های معتبر دنیا به این منابع دسترسی پیدا کرده است؛ بنا بر گفته خودش برخی از مشکلاتی که در راه تحقیق علمی

همواره وجود داشته مربوط به منابع و مآخذی است که از آن استفاده می‌شود، یعنی نه تنها برای ادوار تاریخی، منابع معتمد یا اصولاً هیچ‌گونه منبعی وجود ندارد، بلکه محققان همیشه از تمام منابعی که وجود دارد و به آنها نیاز است نیز استفاده نمی‌کنند (همو، ۱۳۸۱: ۲۴). دفتری در مطالعاتش به این اصل توجه ویژه داشته و تا حد ممکن از منابع اصلی تألیفی به قلم اعضای آن فرقه بهره برده است. مثلاً زمانی که می‌خواهد ادعای الوهیت الحاکم فاطمی را نفی کند، با مراجعه به رساله‌های حمیدالدین کرمانی از آنها استفاده، و این مطلب را اثبات می‌کند:

کرمانی در مصر چند رساله در رد جنبه‌های مختلف مذهب جدید (دروزیه) نوشت. در ۴۰۵-۴۰۶ ه.ق. یک رساله درباره امامت به طور کلی، و درباره امامت الحاکم بالاختصاص نوشت و در آن چنین اظهار نظر کرد که حاکم، یگانه امام برحق زمان است و مانند پیشینیان خود به نص الاهی به امامت برگزیده شده است اما خود خدا نیست. کرمانی در رساله دیگری به نام «الواعظه» که در ۴۰۸ ه.ق. در پاسخ به رساله‌ای از آخرم نوشت ادعای الوهیت حاکم را رد کرد و جانبداران این عقیده را به کفر و غلو متهم ساخت (همو، ۱۳۹۳: ۲۳۴).

یا در جای دیگر، زمانی که می‌خواهد درباره فقه اسماعیلیه بحث و گفت‌وگو، و خوانندگانش را با این مسائل آشنا کند به سراغ تألیفات قاضی نعمان می‌رود و مستقیماً از آنها بهره می‌برد: «قاضی نعمان در اثری که بعد از سال ۳۴۳ ه.ق. در باب «اصول الفقه» نوشته است، هماهنگ با بیشتر علمای امامی هم‌زمانش، قرآن، سنت پیامبر (ص) و گفته یا تعالیم امامان را تنها منابع موثق فقه می‌شناسد» (همان).

نکته مهم دیگر درباره نحوه استفاده دفتری از منابع، میزان مراجعه‌اش به نسخه‌های خطی اسماعیلیه است، به‌ویژه زمانی که کار تحقیقاتش را آغاز کرده بود، بسیاری از نسخه‌های خطی به چاپ نرسیده بود و مراجعه به منابع دست اول اسماعیلی در بسیاری از

نمونه‌ها جز با رجوع به نسخ خطی میسر نبود. دفتری یکی از فعالیت‌های اصلی خود را برای چندین سال در دانشگاه برکلی شرح می‌دهد که مدام برای گرفتن کپی از تصاویر نسخه‌های مربوط به اسماعیلیان بین مرکز فتوکپی و کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه در رفت‌وآمد بود و بدین طریق نسخه‌ای از جمیع مقالات موجود درباره اسماعیلیان را به دست آورد. افزون بر آن، او درباره کتاب‌های کمیاب یا چاپ‌نشده تحقیق کرد (Unzaga, 2011: 24). دفتری با ایجاد کتاب‌خانه‌ای تخصصی از منابع و نسخه‌های خطی اسماعیلیه کارش را آغاز کرد. همچنین، در پیش‌گفتار کتاب *تاریخ و سنت‌های اسماعیلیه* نیز به نحوه گردآوری منابع و نسخه‌های خطی اشاره می‌کند:

در اجرای این پژوهش، من طی سال‌ها از مجموعه‌های خصوصی چندین کتاب‌خانه عمومی در تهران، پاریس، لندن و جاهای دیگر بهره بردم. من به‌خصوص مدیون «مؤسسه مطالعات اسماعیلی» در لندن هستم که دست‌نویس‌های اسماعیلی خود را در اختیارم گذاشت (دفتری، ۱۳۹۳: ۱۵).

روش تحلیلی

تحلیل از جمله روش‌های چینش، پردازش و بهره‌برداری از داده‌ها است که از آن در مطالعات دین نیز همچون ابزاری استفاده می‌کنند. بر این اساس، روش تحلیلی در حکم ابزار است که بنا به هدف و راهی که در مطالعه هر موضوع، از جمله دین، داریم، ممکن است آن را برگزینیم، یا به ابزار دیگری مانند توصیف روی آوریم. مثلاً در مطالعاتی که با رویکردهای فلسفی، تاریخی، انتقادی و پدیدارشناختی در باب دین صورت می‌گیرد، به‌ناچار از ابزار تحلیل نیز استفاده می‌کنند. گاهی روش تحلیلی را صرفاً به‌کارگیری ابزارهای منطقی در دین‌پژوهی معرفی کرده‌اند. در این صورت، روش تحلیلی را گونه‌ای از رویکردهای برون‌دینی دانسته و در برابر مطالعات پسینی، تجربی، تاریخی، مشاهده‌ای و درون‌دینی قرار داده‌اند. به این گونه، روش تحلیلی تا حدود بسیار بر همان رویکرد فلسفی منطبق می‌شود. در این منابع، روش تحلیلی را رویکرد، و قسمتی از رویکرد کلی تر برون‌دینی دانسته‌اند (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۶: ۲۵۱).

ویژگی های روش تحلیلی

روش تحلیلی با ویژگی های زیر از روش توصیفی متمایز می شود:

۱. مستلزم فعالیت های ذهنی ثانوی (فراتر از تجربه و مشاهده) بودن.

۲. منطقی (استدلالی) بودن.

۳. ناظر بودن به ابعاد نامکشوف و نامبین دین یا پدیدار دینی (موحدیان عطار، ۱۳۹۷: ۲۸۰).

دفتری نیز مانند همه محققان، بعد از استفاده از روش توصیفی سراغ تبیین و تحلیل حوادث و وقایع مربوط به تاریخ اسماعیلیه رفته و از این روش در رد عقیده مارکو پولو (Marco Polo) درباره افسانه حشاشین و قلعه هایشان استفاده کرده است. مثلاً درباره قلعه های اسماعیلیان نزاری ایران در منطقه خراسان می نویسد:

بنابراین، می توان چنین استنباط کرد که قلعه مورد نظر یا قلعه کوهستانی گردکوه در نزدیکی دامغان بوده است که سرانجام در ۱۲۷۰ م، حدود دو سال پیش از عبور مارکو پولو از خراسان به شمال افغانستان، تسلیم مغولان شد، یا به احتمال بیشتر قلعه ای در شرق قهستان بوده است (دفتری، ۱۳۹۳: ۲۱).

دفتری همچنین در تحلیل و بررسی مشخصه های ممتاز اسماعیلیه ایران معتقد است در حقیقت جنبه های مهم مخالفت اسماعیلیان ایران با سلجوقیان را می توان در پیشینه هایی در سنت های کهن تر مخالفت های دینی در سرزمین های ایرانی ردگیری کرد. به این ترتیب، برای آنکه درک درستی از سرآغاز جنبش اسماعیلی نزاری داشته باشیم، ضروری است برخی از سنت ها و نهضت های دینی سیاسی مخالفت را در سرزمین های ایرانی، از جمله وجوه ایرانی نهضت اسماعیلی، از نظر بگذرانیم. فقط در روشی چنین زمینه هایی است که عوامل مختلف مؤثر در تکوین جنبش اسماعیلی نزاری به درستی شناخته، و در بافت های تاریخی شان ارزشیابی می شود (همو، ۱۳۸۲: ۲۲۶). او همچنین از تتبع و تحلیل تداوم یافتن یا نیافتن نحله های شیعی نیز بحث می کند:

تداوم نحله‌های شیعی ابعاد و عوامل دینی و سیاسی داشته‌اند. در مورد بُعد دینی احتمال تداوم نحله‌ای که به انحای گوناگون به خاطر غلو در عقایدشان خود را از دیگر شیعیان یا مسلمانان به طور کلی دور می‌کردند و منزوی می‌شدند از ابتدا کمتر از دیگران بوده است (همو، ۱۳۸۱: ۲۵-۳۷).

تحلیل اصطلاحات

یکی از عواملی که موجب غنای اثری علمی می‌شود، بحث از اصطلاحاتی است که در آن اثر به‌وفور به کار گرفته شده است، زیرا توضیح مقدماتی، و در پی‌اش، تحلیل درباره اصطلاح به فهم بهتر مخاطبان کمک بسیار می‌کند. دفتری در برخی از آثارش در انتهای کتاب این کار را انجام داده است. البته در درون متن کتاب‌هایش نیز هر جا استفاده از برخی اصطلاحات ضروری است، نخست آن را توضیح داده و تحلیل کرده است. در جایی از کتاب تاریخ و سنت‌های اسماعیلیه اصطلاح «موالی» را تحلیل می‌کند:

موالی در صدر اسلام اساساً از مسلمانان غیرعرب که طبقه میانجی مهم اعراب مسلمان و رعایای غیرمسلمان مملکت اسلامی بودند تشکیل می‌شدند؛ اما تا قرن سوم هجری، با یکپارچه‌شدن بیشتر جامعه اسلامی که در حکومت عباسیان صورت گرفت، موالی تشخص خود را به عنوان یک طبقه ممتاز اجتماعی از دست دادند و در نتیجه، اصطلاح «موالی» اهمیت خود را از دست داد و از میان رفت (همو، ۱۳۹۳: ۶۹).

اصطلاح «حجت» نیز، که از واژگان مهم در تاریخ و عقاید اسماعیلیه است، به همین روش تحلیل و بررسی شده است. ابتدا دفتری از معنای این واژه در قرآن بحث می‌کند. سپس این اصطلاح را در میان شیعیان می‌کاود و در نهایت این واژه را در طول تاریخ اسماعیلیه تحلیل می‌کند:

کاربرد اصلی کلمه «حجت» به وسیله شیعیان که به زمان امام جعفر صادق (ع) باز می‌گردد، توسط اسماعیلیان پیش از دوره فاطمی نیز که معتقد بودند در هر

عصری برای خداوند یک حجت در روی زمین هست، خواه به صورت نبی یا رسول یا امام، حفظ گردید. آنان همچنین کلمه «حجت» را در اشاره به یکی از رجال در سلسله مراتب دینشان، به ویژه به کسی که از طریق وی مهدی غایب دور از دسترس برای پیروانش دست یافتنی می شد، به کار می بردند (همان: ۱۴۹).

روش مقایسه‌ای

محوری‌ترین مفهوم در چپستی مطالعه مقایسه‌ای که در بدو امر بیان می شود، بررسی مقایسه‌ای (comparative) است. عده‌ای گمان می کنند مقایسه، نتیجه و حاصل برنامه تحقیقی است و رسالت پروژه مطالعه مقایسه‌ای، کشف اختلاف‌ها و شباهت‌ها است، در حالی که مقایسه، صرفاً نوعی روی آورد و ابزار برای هدف مطالعاتی است. در واقع، مطالعه مقایسه‌ای شناخت پدیدار یا دیدگاهی در پرتو مقایسه (توضیح و تبیین مواضع خلاف و وفاق) است (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۶: ۳۰۴).

روش مقایسه‌ای سه مرحله دارد: ۱. شناخت شباهت‌ها؛ ۲. شناخت تفاوت‌ها؛ ۳. تبیین دو مرحله قبلی.

این روش برای نخستین بار در علوم طبیعی به کار گرفته شد. استفاده از این روش در علوم انسانی در سال ۱۹۷۵ آغاز شد و در بررسی مکاتب و ادیان نیز استفاده‌های بسیار و متنوعی دارد (قائمی، ۱۳۵۴: ۲۹۵). به نظر می رسد روش مقایسه‌ای تمام ویژگی‌های روش تحلیل را دارا باشد، با این تفاوت که در مقایسه وجود طرفین یا اطراف پژوهش ضروری است. با این وصف، می توان ویژگی‌های روش مقایسه‌ای را نیز به این صورت برشمرد:

۱. مستلزم فعالیت‌های ذهنی ثانوی (فراتر از تجربه و مشاهده صرف) بودن؛
۲. به عبارت دیگر، منطقی (استدلالی) بودن؛
۳. ناظر بودن به ابعاد نامکشوف و نامبیینی از دین یا پدیدار دینی که فقط با مقایسه مکشوف می شود.

افزون بر آن، در مقایسه، اهدافی از این قبیل پی جویی می شود:

۱. بررسی و دست‌یابی به وجوه تشابه، تفاوت و امتیاز طرفین پژوهش؛

۲. تلاش برای شناخت یا معرفی پدیده‌های دینی یا ادیان؛
۳. کشف قوانین و الگوهای حاکم بر ادیان یا پدیده‌های دینی؛
۴. یافتن ویژگی‌های ساختاری، نوعی و ماهوی ادیان یا پدیده‌های دینی (موحدیان عطار، ۱۳۹۷: ۴۰۱).

دفتری نیز مانند سایر محققان در زمینه ادیان و فرق از روش مقایسه‌ای بسیار استفاده کرده است. چون تخصصش در زمینه تاریخ اسلام، و به‌خصوص فرقه اسماعیلیه، است از این روش در بررسی رویدادهای تاریخی، و همین‌طور مقایسه منابع درباره موضوعی خاص استفاده کرده است. زمانی که گزارش عظاملک جوینی را به‌هنگام ورودش به قلاع اسماعیلیه همراه مغولان بیان می‌کند، این گزارش را با سفرنامه مارکوپولو مقایسه می‌کند که از وجود باغی سرّی در قلاع اسماعیلیه خبر داده بود. یا در جای دیگر منابع مسلمانان را با منابع ضداسماعیلی مقایسه می‌کند:

اسماعیلیان نخستین را مسلمانان دیگر به علت آنکه آنان باطن و حقایق مندرج در آن را اعتلا می‌بخشیدند نماینده کامل باطن‌گرایی در میان جوامع شیعی می‌دانستند و از این‌رو نام عمومی باطنیه بر آنان نهاده بودند، اما منابع ضداسماعیلی این عنوان را به گونه‌ای افتراآمیز به کار می‌برند. یعنی اسماعیلیان را متهم می‌ساختند (دفتری، ۱۳۹۳: ۱۶۳).

دفتری همچنین ادبیات فقهی اسماعیلیان فاطمی را با مذاهب فقهی اهل سنت و شیعه مقایسه می‌کند. او می‌گوید ادبیات فقهی اسماعیلیان فاطمی در قیاس با چهار مذهب فقهی اهل سنت، یعنی حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی، و همچنین در مقایسه با مذهب اثناعشری بسیار محدود است (همان: ۲۱۵). وی بعد از مقایسه فقه اسماعیلیه با سایر مذاهب اسلامی آن را تبیین و تحلیل می‌کند. مثلاً زمانی که درباره فقه فاطمیان توضیح می‌دهد، می‌گوید:

فقه اسماعیلی فاطمی که در خطوط کلی با فقه امامی توافق دارد امتزاجی است از معتقدات شیعی، به‌ویژه آنچه احتوا بر عقیده امامت دارد، با مفاهیم فقهی و

شرعی کلی مسلمانان. اسماعیلیان مانند دیگر مسلمانان قرآن و سنت پیامبر را دو منبع اصلی قضا می‌شمارند (همان: ۲۱۲).

او در تألیفاتش به‌وفور از این روش استفاده کرده و حتی نظریات محققان جدید درباره ماهیت اسماعیلیه نزاری را نیز مقایسه و بررسی می‌کند. در واقع، روش اصلی او در معرفی فرقه اسماعیلیه و شیعه در وهله اول مقایسه آنها با یکدیگر است.

دفتری علاوه بر مقایسه‌های مذکور، دیدگاه مستشرقان را نیز درباره این فرقه مقایسه می‌کند. مثلاً درباره روابط میان قرمطیان و فاطمیان معتقد است در روزگار اخیر مطالب بسیاری در این باره نوشته شده است. در این نمونه دفتری به مقایسه دیدگاه‌های مستشرق هلندی، میکائیلیان دو خویه (Michael Jan de Goeje) همت می‌گمارد که بر مبنای نوشته‌های ضد اسماعیلی در قرن نوزدهم در اروپا مطالبش را تألیف کرده بود و به این نتیجه رسیده بود که میان آنها روابط نزدیک وجود داشته است؛ اما با بررسی منابع جدید و مقایسه با این نوع منابع به این نتیجه می‌رسد که میان معتقدات قرمطیان و اسماعیلیه فاطمی تفاوت‌های اساسی فاحشی وجود داشته است.

درباره دیدگاه علمای شیعی امامیه نیز مقایسه را مثلاً درباره شخصیت‌های مشهور اسماعیلیه انجام داده است. این روش در مطالعات فرق و تاریخشان و همین‌طور در جریان‌شناسی افتراق فرقه‌ها بسیار پرکاربرد است. او دوره‌های مختلف تاریخی اسماعیلیه را نیز مقایسه و بررسی کرده و ویژگی‌های هر دوره را مفصلاً بیان کرده است. اوضاع و احوالی که نزاریان دوره الموت در آن می‌زیستند، به کلی با آنچه اسماعیلیان در دوره فاطمی با آن روبه‌رو بودند تفاوت داشت. اندیشه اسماعیلیان نزاری از همان آغاز به جنبشی انقلابی و زنده‌ماندن در محیطی خصمانه معطوف بود؛ از این‌رو، به عوض متکلمان و فقیهان دانشمندی که بتوانند به مسائل عقلانی بپردازند، مردان جنگی و فرماندهان نظامی پرورش دادند (همان: ۳۷۲).

همان‌طور که در تعریف روش مقایسه‌ای گفته شد، مقایسه منابع و دیدگاه‌های مؤلفان نیز یکی از راه‌های این روش برای بررسی بهتر یافته‌های تاریخی است. دفتری در

تحقیقاتش از مقایسه منابعی که مربوط به این فرقه است غافل نبوده و با بیان اشتراکات و افتراقاتشان به نتایج مطلوبی در وقایع تاریخی اسماعیلیه رسیده است. دفتری دو اثر مهم تاریخی را که به زبان فارسی تألیف شده مقایسه می‌کند: *تاریخ جهان‌گشای جوینی*^۱ و *جامع التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی*^۲. این دو مؤلف در دوره مغولان می‌زیستند و در دربار مغول حضور داشتند و به نوشتن تواریخ خود مبادرت کردند که در این تألیفات از اسماعیلیه نیز بحث کرده‌اند. دفتری با بررسی این دو کتاب به این نتیجه می‌رسد که شرح رشیدالدین درباره اسماعیلیه بسیار کامل‌تر و پرمحتواتر از شرح جوینی است. رشیدالدین فضل‌الله از مطالبی که در *تاریخ جهان‌گشا* آمده چیزی جز دشنام‌ها و لعنت‌ها فرونگذاشته، بلکه با نقل قول‌های مفصل از وقایع‌نامه‌ها و تواریخ اسماعیلی جزئیات و تفصیلات بیشتری را که جوینی از ذکرشان غفلت کرده، به دقت آورده است. گذشته از این، رشیدالدین، با دیدی عینی و نسبتاً بی‌طرفانه، به منابع اسماعیلی که از آنها استفاده کرده نگریسته و مطالبشان را همان‌گونه که بوده نقل کرده است؛ آنچه کمتر در مورخان سنی‌ای که مطالبی در باب اسماعیلیه نوشته‌اند دیده می‌شود، در حالی که جوینی با دیدی کاملاً مغرضانه و ضداسماعیلی از مسئله بحث کرده و این کاملاً از لعن و ناسزایی که مدام بر سر پیروان آن جماعت می‌ریزد هویدا است (همان: ۳۷۷).

دفتری همچنین با استفاده از این روش، جامعه بُهَره سلیمانی یمن را با بُهَره داوودی هند نیز مقایسه کرده است. وی بعد از بیان انشقاق اسماعیلیان طیبی، دوره‌های یمن و هند را توصیف می‌کند. سپس اشتراکات و افتراقاتشان را بیان می‌کند. با بررسی‌های انجام‌شده، به این نتیجه می‌رسد که جامعه بُهَره سلیمانی، در جنوب آسیا، به صورت اقلیت بسیار کوچکی باقی مانده است. سلیمانی‌های هند در مقایسه با داوودی‌ها از لحاظ زبان، پوشش و آداب اجتماعی با دیگر مسلمانان شباهت‌های بیشتری دارند. میان سنت‌های طیبی‌های سلیمانی یمنی عرب‌زبان و بُهَره‌های داوودی که به لهجه‌ای از زبان گُجراتی سخن می‌گویند، تفاوت‌های خاصی دیده می‌شود. بُهَره‌ها همچنین بسیاری از آیین هندو را در مراسم ازدواج و دیگر آداب و رسومشان حفظ کرده‌اند. افزون بر آن،

سلیمانی‌ها برخلاف داوودی‌ها تحت نظارتِ مرکزیِ شدیدِ داعیان خود قرار دارند (همو، ۱۳۹۸: ۱۴۶).

نتیجه

در این مقاله آثار دفتری را با کمک سه روش توصیفی، تحلیلی و مقایسه‌ای بررسی، و نمونه‌هایی از استفاده وی را از این روش‌ها ذکر کردیم. در روش توصیفی، وی از جداوله مرحله‌بندی دوره‌های تاریخی و فصل‌بندی آنها برای درک و فهم بهتر و آسان‌تر تاریخ اسماعیلیه استفاده کرده است. دفتری در زمینه استفاده از منابع نیز به تألیفات دست اول اسماعیلیه و نسخه‌های خطی با وجود قلت منابع این فرقه رجوع کرده و تا آنجا که توانسته از منابع اصلی مربوط به این فرقه که اعضای آن فرقه تألیف کردند، سود برده است. در روش تحلیلی نیز بعد از توصیف وقایع هر جا که لازم بوده است از تحلیل حوادث تاریخی نیز اجتناب نکرده و در بررسی برخی از اصطلاحات مهم این فرقه از روش تحلیل نیز بهره برده است. دفتری نیز مانند سایر محققان در زمینه ادیان و فرق روش مقایسه‌ای را بسیار به کار برده است. چون تخصص او در زمینه تاریخ اسلام و به‌خصوص فرقه اسماعیلیه است، از این روش در بررسی رویدادهای تاریخی و همین‌طور مقایسه منابع درباره موضوعی خاص بهره برده است. همچنین، ادبیات فقهی اسماعیلیان فاطمی را با مذاهب فقهی اهل سنت و شیعه مقایسه می‌کند. دفتری علاوه بر مقایسه‌های مذکور، دیدگاه مستشرقان را نیز درباره این فرقه مقایسه می‌کند، و با استفاده از این روش، جوامع مختلف اسماعیلی، از جمله بهره‌ها و نزاری‌ها، را مقایسه و بررسی می‌کند. بنابراین، دفتری در تألیف آثارش از هر سه روش سود برده است، مخصوصاً درباره تدوین تاریخ اسماعیلیه بیشتر از روش توصیفی بهره برده و در نمونه‌هایی که نیاز به تبیین و تحلیل وقایع تاریخی بوده از این روش استفاده کرده است. همچنین، در زمینه مقایسه بین آثار و دیدگاه‌های مختلف درباره اتفاقات تاریخی این فرقه، از روش مقایسه‌ای کمک گرفته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. علاء‌الدین ابوالمنظر عطاملک بن بهاء‌الدین محمد جوینی (۶۸۱-۶۲۳ ه.ق.) مورخ و ادیب ایرانی قرن هفتم قمری است. از آثار او جهان‌گشای جوینی و رساله تسلیة الانحوان است.
۲. رشیدالدین فضل‌الله (۶۴۸-۷۱۸ ه.ق.) رجل سیاسی، تاریخ‌نگار و پزشک ایرانی بود که کتاب جامع التواریخ را به دستور غازان‌خان نگاشت و در دوران وزارتش بناهای فراوانی، همچون ربع رشیدی، ساخت.

منابع

- امانت، عباس (۱۳۷۱). «در جست‌وجوی رستاخیز؛ سیری در کتاب اسماعیلیه تاریخ و اعتقاد ایشان»، در: *ایران‌نامه*، ش ۳۸، ص ۳۲۴-۳۴۲.
- برنجکار، رضا (۱۳۹۱). *روش‌شناسی علم کلام*، قم: دارالحدیث، چاپ اول.
- حسن‌نیا، علی (۱۳۹۶). «مطالعه تحلیلی روش‌شناسی پژوهش‌های حدیثی خاورشناسان در میراث امامیه»، در: *تحقیقات علوم و قرآن و حدیث*، س ۱۴، ش ۲، ص ۸۷-۱۱۴.
- حضرتی، حسن (۱۳۹۳). *روش پژوهش در تاریخ‌شناسی؛ با تأکید بر اصول و قواعد رساله‌نویسی*، قم: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، چاپ سوم.
- دفتری، فرهاد (۱۳۸۱). «تاریخ و عقاید اسماعیلیه در گفت‌وگو با فرهاد دفتری»، در: *هفت آسمان*، س ۴، ش ۱۶، ص ۱۱-۴۶.
- دفتری، فرهاد (۱۳۸۲). *تاریخ و اندیشه‌های اسماعیلی در سده‌های میانه*، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز، چاپ اول.
- دفتری، فرهاد (۱۳۸۶). *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز، چاپ پنجم.
- دفتری، فرهاد (۱۳۸۸). *مختصری در تاریخ اسماعیلیه*، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز، چاپ سوم.
- دفتری، فرهاد (۱۳۹۳). *تاریخ و سنت‌های اسماعیلیه*، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز، چاپ اول.
- دفتری، فرهاد (۱۳۹۸). *تاریخ تشیع*، ترجمه: رحیم غلامی، تهران: فرزانه روز، چاپ اول.
- فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۹۶). *روش‌شناسی مطالعات دینی*، مشهد: دانشگاه علوم رضوی، چاپ دهم.
- قائمی، علی (۱۳۵۴). *روش تحقیق در یک مکتب*، قم: دارالتبلیغ اسلامی.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۴). *روش و بینش در سیاست*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول.
- موحدیان عطّار، علی (۱۳۹۷). *روش‌های دین‌پژوهی؛ روش‌ها، رویکردها، نگرش‌ها، رشته‌ها و ساختارها*، مشهد: المصطفی (ص)، چاپ سوم.
- مولایی توانی، علی‌رضا (۱۳۸۸). *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ*، تهران: نی، چاپ سوم.
- Daftary, Farhad (2004). *Ismaili Literature: A Bibliography of Sources and Studies*, London: The Institute of Ismaili Studies.
- Unzaga, Omar Alide (2011). *Fortresses of the Intellect: Ismaili and other Islamic Studies in Honour of Farhad Daftary*, London: The Institute of Ismaili Studies.

References

- Amanat, Abbas. 1992. "Dar Jostojuy Rastakhiz; Seyri dar Ketab Ismailiyeh Tarikh wa Eteghadateshan (In search of Resurrection; A Look at the Book of Ismailis, Their History and Beliefs)", in: *Iranian Studies*, no. 38, pp. 324-342. [in Farsi]
- Berenjkar, Reza. 2012. *Raweshshenasi Elm Kalam (Methodology of Theology)*, Qom: House of Hadith, First Edition. [in Farsi]
- Daftari, Farhad. 2002. "Tarikh wa Aghayed Ismailiyeh dar Goftogu ba Farhad Daftari (Ismaili History and Beliefs in an Interview with Farhad Daftari)", in: *Seven Heavens*, yr. 4, no. 16, pp. 11-46. [in Farsi]
- Daftari, Farhad. 2003. *Tarikh wa Andisheh-hay Ismaili dar Sadeh-hay Miyaneh (Ismaili History and Thought in the Middle Ages)*, Translated by Fereydu Badrehyi, Tehran: Farzan Ruz, First Edition. [in Farsi]
- Daftari, Farhad. 2007. *Tarikh wa Aghayed Ismailiyeh (Ismaili History and Beliefs)*, Translated by Fereydu Badrehyi, Tehran: Farzan Ruz, Fifth Edition. [in Farsi]
- Daftari, Farhad. 2009. *Mokhtasari dar Tarikh Ismailiyeh (A Brief History of the Ismailism)*, Translated by Fereydu Badrehyi, Tehran: Farzan Ruz, Third Edition. [in Farsi]
- Daftari, Farhad. 2014. *Tarikh wa Sonnat-hay Ismailiyeh (Ismaili History and Traditions)*, Translated by Fereydu Badrehyi, Tehran: Farzan Ruz, First Edition. [in Farsi]
- Daftari, Farhad. 2019. *Tarikh Tashayyo (History of Shiism)*, Translated by Rahim Gholami, Tehran: Farzan Ruz, First Edition. [in Farsi]
- Daftary, Farhad. 2004. *Ismaili Literature: A Bibliography of Sources and Studies*, London: The Institute of Ismaili Studies.
- Faramarz Gharamaleki, Ahad. 2017. *Raweshshenasi Motaleat Dini (Methodology of Religious Studies)*, Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences, Tenth Edition. [in Farsi]
- Ghaemi, Ali. 1975. *Rawesh Tahghigh dar Yek Maktab (Research Method in a School of Thought)*, Qom: Islamic Propaganda House. [in Farsi]
- Hasannia, Ali. 2017. "Motaleeh Tahlil Raweshshenasi Pajuhesh-hay Hadithi Khawarshenasan dar Mirath Emamiyeh (Methodological Analysis of Hadith Studies of Orientalists on Imami Heritage)", in: *Research in Quranic and Hadith Sciences*, yr. 14, no. 2, pp. 87-114. [in Farsi]

- Hazrati, Hasan. 2014. *Rawesh Pajuhesh dar Tarikhshenasi ba Takid bar Osul wa Ghawaed Resalehnewisi (Research Method in Historiography with Emphasis on the Principles and Rules of Dissertation Writing)*, Qom: Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Third Edition. [in Farsi]
- Kazemi, Ali Asghar. 1995. *Rawesh wa Binesh dar Siyasat (Methods and Insights in Politics)*, Tehran: Office of Political and International Studies, First Edition. [in Farsi]
- Molayi Tawani, Ali Reza. 2009. *Daramadi bar Rawesh Pajuhesh dar Tarikh (An Introduction to Research Methods in History)*, Tehran: Ney, Third Edition. [in Farsi]
- Mowahhediyan Attar, Ali. 2018. *Rawesh-hay Dinpajuhi; Rawesh-ha, Ruykard-ha, Negaresh-ha, Reshteh-ha wa Sakhtar-ha (Methods of Religious Studies; Methods, Approaches, Attitudes, Disciplines and Structures)*, Mashhad: Al-Mostafa (S), Third Edition. [in Farsi]
- Unzaga, Omar Alide. 2011. *Fortresses of the Intellect: Ismaili and other Islamic Studies in Honour of Farhad Daftary*, London: The Institute of Ismaili Studies.